

حادثه کوهنوردی اشترانکوه

امیرفیض- حقوقدان

درفاجعه تاسف بار کوهنوردان در صعود به اشترانکوه عده ای از کوهنوردان در اثر سقوط بهمین جان خود را از دست دادند. این حادثه سبب بحث هائی شده و پای مسئولیت افرادی از گروه به میان آمده است بنده که سوابق طولانی در این ورزش کوهنوردی داشته ام مایلم در باب توجه مسئولیت که یک امر حقوقی هم هست دخالت نظر داشته باشم.

مختصرو فشرده نظر حقوقی نسبت به کل حادثه این است که ورزشهای جمعی نظیر کوهنوردی و یا غارگردی و یا عبور از جنگلهای ناشناخته و یا حرکت در امواج رودخانه ها و نظایر آنها امری است که مشمول قاعده حقوقی <شرط عدم مسئولیت خارج از قرارداد است> یعنی بدون اینکه بین شرکت کنندگان یک ورزش دستجمعی همانند آنچه که عرض شد قراردادی برای رفع مسئولیت از یکدیگر بسته شده باشد نفس عدم تعهد و مسئولیت نسبت به همه آن شرکت کنندگان قائم بوجود است گرچه چنین شرطی نشده باشد (غالباً در ورقه درخواست شرکت در برخی از ورزشهای جمعی قید عدم مسئولیت میشود و اگر هم چنین اوراقی نباشد شرط عدم مسئولیت ناظر بر عمل شرکت کنندگان هست وجود بیمه افراد یکی از مظاهر شرط عدم مسئولیت خارج از قرارداد است).

کوه نوردی یک کار ماجراجویی است که شخص از آن استقبال میکند؛ اصلاً چه لزومی دارد که کسی به سرقله ای برود همه کوه نوردان که با تحمل مصائب از جمله کمی اکسیژن و یا سرما و خطرات و خستگی طاقت فرسا و صرف هزینه مالی به قله ای صعود میکنند کمتر از ۵ دقیقه در قله میمانند و بسرعت از قله فرو میایند، این هیچ فایده مادی ندارد ولی یک چلنج و مقاومت و نبرد با کوه و عظمت آن است که عده ای با بخطر انداختن جان خود از آن استقبال میکنند آنها که به این ورزش عادت ندارند برایشان دشوار است رابطه کوهنور را با کوه درک کنند؛ نزدیک ترین چیز به آن همان رابطه معنوی عاشق و معشوق است.

شادروان مهدی کمالیان که از کوهنوردان قدیم و مسنی هم بود همواره در موقع صعود به قله وقتی خسته میشد با آهنگ بسیار دلپذیر و قرآنی که داشت این بیت را میخواند:

هر چند پیرو خسته دل و ناتوان شدم هر گاه که پای به کوه نهادم جوان شدم

صدای مهدی کمالیان کوه رامیلرزاند و کوهنوردان را روحیه میداد.

در برنامه های کوهنوردی ارتش سرلشگر بهار مست ابیاتی میخواند که یک بیت آن که یادم هست این بود:

تو ایرانی گرد خواهان نام بر این کوه کله بزن چند گام

مفهوم استقبال کوهنوردان از این ورزش، استقبال از خطر است، خطراتی که قابل پیش بینی نیست خطراتی که رفع آن خارج از قدرت کوهنورد است. آری اگر کوهنوردی عملاً عامل سقوط کوهنوردی بشود مثلاً طناب او را پاره کند و یا حمایت درست نکند مسنول است ولی در مقابل رویدادهای طبیعی هیچ مسئولیتی متوجه هیچکام از آن کوهنوردان نخواهد بود.

اتهام اینکه کوهنوردان، صعود خود را با فدراسیون هماهنگ نکرده اند گرچه هیچ قانونی وجود ندارد که هرکس می‌خواهد بکوه برود باید با فدراسیون هماهنگ کند و از وضع هوا مطلع بشود و نیز گرچه تذکر مزبور یک خیرخواهی است ولی باید دانست که کوهنورد برای همان وضع نامساعد هوا و احتمالا برف و یوران راهی قله کوه میشود و گرنه به دشت میرود که از خطرات برف و بیهمن در امان است و یادرخانه مینشیند که از همه خطرات مصون است.

طبایع انسان ها یکسان نیست و استفاده و بکارگرفتن از آنها وقتی منع قانونی ندارد بهر صورت و کیفیت آزاد است کوهنوردی هم یکی از آنهاست.

قله علم کوه که در رشته جبال البرز طالقان قرارداد یکی از قله‌هاست که بسیار مورد علاقه کوهنوردان ایرانی و خارجی است قسمت جنوب این کوه که از ارتفاعات طالقان میتوان به قله آن کوه (علم کوه) رسید بسیار آسان و بدون خطر و بی نیاز از استفاده از تکنیک های سنگ نوردی است با این وجود هیچ کوهنورد خارجی داوطلب صعود از این معبر نشده است و در حالیکه قسمت شمالی این قله که راه وصول آن از مرزون آباد راه چالوس است بسیار سخت و دارای دیواره های سنگی و یخچالهای قدیمی و خطرناک است و نیاز به استفاده از تکنیک سنگ نوردی و میخکوبی و امثال آنها را دارد معهدا کوهنوردان خارجی و ایرانی بسیار عاشق صعود از این طریق به قله علم کوه هستند، چرا؟ زیرا...

استقبال از خطرات و سختی های راه است که کوهنوردان ایرانی و خارجی را به خود جلب میکند.

سرفله علم کوه هم هیچ خبری نیست نه هوای خوبی است و نه میتوان خوراکی خورد باد است و باد و میل به بازگشت به سرعت ولی میبینیم که کوهنوردانی هستند که چندین بار فقط از همین تیغه شمالی صعود کرده اند.

باید به حکمت در این کار توجه کرد کسانی که در این مقوله وارد نیستند نمیتواند از حکمت این مهم سردر بیاورند.

درفر هنگ عامیانه کوهنوردان عبارت حمله به قله خیلی متداول است آنها بجای صعود، حمله را بکار میبرند این امریه منزله استقبال از خطر است زیرا حمله مترادف با خطر است.

اینکه کوهنوردان اشترانکوه چرا فلان نکرده اند و یا فلان کرده اند ایراد منصفانه ای نیست، کوه نورد است که در هر موقع و هر لحظه باید تصمیم بگیرد نه کسانی که در خانه و یا اداره به موضوع نگاه میکنند، اینکه چرا کوهنوردان عبور از دره را انتخاب کرده اند که امکان حرکت بهمین را داشته سوال موجهی نیست، این کوهنوردان بوده اند که صلاحیت تصمیم گیری را داشته اند نه ما.

هر نوع ایجاد مزاحمتی برای کوهنوردان اشترانکوه لطمه و صدمه جبران ناپذیری به هنر کوهنوردی ایرانیان است که نشان داده اند میتوانند در برنامه های صعود های ۶ هزار متری ببالا پرچمدار موفقیت باشند.

بازماندگان کوهنوردان از بین رشته حق دارند متاثر باشند و همه کوهنوردان و ایرانیان شریک عم آنها هستند، ولی فراموش نکنند که دلبندان آنها کسانی هستند که عاشق کوه بوده اند و از اینکه در دامان کوه آرامیده اند بسیار هم راضی هستند.

شادروان میناسیان یکی از کوهنوردان قدیمی زمان ما بود که همواره بمن میگفت دلم میخواهد در پای علم کوه دفن بشوم و اتفاقا در یکی از شکافهای یخی علم کوه سقوط کرد و همانجا مدفون شد.